

## رابطه عملکرد نهادی و خروج نخبگان از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (تحلیل نهادی تطبیقی ۱۰۰ کشور مبدأ)

<b>حسین اکبری</b>	<b>علی یوسفی</b>	<b>زینب فاطمی امین</b>
استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد	دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)	دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

خروج نخبگان در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته واکنشی به ساختار و عملکرد ضعیف نهادهای جامعه در این کشورها است که خود برخاسته از توسعه نامتوازن آنها می‌باشد. به نظر می‌رسد خروج نخبگان از این کشورها علت ساختاری و نهادی دارد که در مطالعات بین‌المللی با عملکرد نهادی ارزیابی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر خروج نخبگان از کشورهای مبدأ و بررسی تفاوت‌های نهادی میان این کشورها با بهره‌گیری از روش تحلیل نهادی تطبیقی است. داده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد بیشترین میانگین خروج نخبگان مربوط به کشورهای آسیای جنوبی (هند، ایران، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش و نپال) است. ایران در میان کشورهای آسیای جنوبی، بعد از هند بیشترین خروج نخبگان را دارد و در میان ۱۰۰ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه یافته رتبه ششم را به خود اختصاص داده است. یافته‌های تحلیلی حاکی از آن است که در میان کشورهای مبدأ بی‌ثباتی سیاسی و فساد اقتصادی اثرگذارترین عوامل نهادی بر خروج نخبگان هستند؛ همچنین مهم‌ترین تفاوت نهادی این کشورها در میزان خروج نخبگان از کشورهایشان در عملکرد نهادی آنها نهفته است. عملکرد نهادی ضعیف نه تنها به انتقال نهادی نخبگان به کشورهای توسعه یافته منجر شده، احتمال عدم بازگشت نخبگان به کشورهایشان را نیز تقویت کرده است.

**واژگان کلیدی:** تحلیل نهادی تطبیقی، عملکرد نهادی، تفاوت نهادی و خروج نخبگان.

## مقدمه و بیان مسئله

مسئله خروج نخبگان اگرچه پدیده‌ای تازه و نوظهور نیست، با وجود این از چند دهه قبل به این طرف کمیت و کیفیتی دیگر یافته و همچون پدیده‌ای اجتماعی مورد توجه و چاره‌اندیشی متولیان امر قرار گرفته است. دامنه این پدیده هر چند به کشورهای خاصی محدود نیست و گستره‌ای جهانی دارد، اما اغلب در ارتباط با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از آن سخن به میان آمده است و در حال حاضر کمبود نیروی انسانی ماهر و کارآمد یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات این کشورها محسوب می‌شود (سلجوقی، ۱۳۷۹؛ خلیلی، ۱۳۸۰؛ طالبی‌زیدی و رضایی، ۱۳۸۸؛ دوستار و همکاران، ۱۳۹۲؛ Vong & Yip, 1999; Dalgaard & Struilik, 2013; Ernst, 2015). آمارهای بین‌المللی حاکی از آن است که خروج نخبگان از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ۷۰ درصد افزایش داشته است (Arslan, et al, 2014: 36). بستر نابسامان نهادی در این کشورها مولد نهادهای ناکارآمد است. پیامد طبیعی ناکارآمدی و بی‌ثباتی بستر نهادی، اشاعه ناکارایی، عملکرد نهادی ضعیف و عدم اطمینان به نهادهای جامعه است؛ چراکه زندگی در جامعه‌ای که توأم با احساس ناامنی و ناکارآمدی نهادها باشد، از بهره‌وری و کارآمدی نخبگان آن جامعه خواهد کاست (آذرمند، ۱۳۸۴؛ نورث، ۱۳۸۵؛ حمیدی، ۱۳۸۷؛ متوسلی و نجفی، ۱۳۸۸؛ زمان‌زاده، ۱۳۸۸؛ میرفردی و رمضانی، ۱۳۹۲؛ World Bank, 2000; Henry & Miller, 2009; Cebula & Clark, 2010). این در حالی است که جذب نخبگان (به عنوان کنشگران نهادی) و به تبع آن ارتقای سطح کارآمدی نهادها از جمله پیش‌شرط‌های توسعه نهادی در این کشورها محسوب می‌شود.

در این میان، خروج نخبگان از ایران برای ارتقای کمی و کیفی زندگی شخصی و حرفه‌ای‌شان را می‌توان به‌عنوان یک مسئله مهم اجتماعی در کشور قلمداد کرد. در سطح جهانی، آمارهای منتشر شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی، ایران را جزو کشورهایی قرار

می‌دهد که بیشترین خروج نخبگان را تجربه کرده است. ایران، بعد از حذف کشورهای توسعه‌یافته، در میان ۳۰ کشوری که بیشترین میزان خروج نخبگان را داشته‌اند، رتبه هشتم جهانی را کسب کرده است (Arslan, et al, 2014: 56)؛ همچنین طبق گزارش منتشر شده از «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»<sup>۱</sup>، خروج نخبگان ایران در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۰، رشد ۶۳ درصدی داشته است.<sup>۲</sup> علی‌رغم ارائه گزارش‌ها و انجام طرح‌های پژوهشی متعدد، فعالان و صاحب‌نظران داخلی بر ضرورت توجه ساختاری به این حوزه اشاراتی داشته‌اند (آراسته، ۱۳۸۰؛ قانع‌راد، ۱۳۸۳؛ آهنی و مدنی، ۱۳۸۳؛ صالحی عمران، ۱۳۸۴؛ فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷؛ شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲)؛ چراکه در شرایط کنونی بسترهای ساختاری مناسب برای رشد و ارتقای آنان وجود ندارد و برعکس، بسترهای آماده برای جذب در کشورهای دیگر پیش روی نخبگان قرار دارد که نشان از عملکرد نهادی ضعیف است.

با توجه به اینکه نهادها در هر کشوری دارای ویژگی‌های خاص تاریخی و محدود به محیط جغرافیایی هستند، لزوم تحلیلی تبیینی از خروج نخبگان در بستری نهادی<sup>۳</sup> هر چه بیشتر احساس می‌شود. برای بررسی اینکه چگونه بستر نهادی در میان کشورهای مبدأ به خروج نخبگان از این کشورها انجامیده است، مطالعات بین‌المللی مفید می‌باشد. به نظر می‌رسد با شناسایی عوامل نهادی تأثیرگذار بر خروج نخبگان، می‌توان به ارزیابی عملکرد نهادها و تفاوت‌های نهادی بین کشورهای فوق‌الذکر پرداخت. بدین‌سان، اصلی‌ترین سؤال‌های پیش روی پژوهشگران این است که چه عوامل نهادی بر خروج نخبگان از کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته مؤثر است؟ و بر مبنای شاخص‌های عملکرد نهادی، چه تفاوت‌های نهادی میان کشورهای مبدأ وجود دارد؟

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲. این آمارها برای نخبگان در گروه سنی ۱۵ سال به بالا است و رشد ۶۳ درصدی در فاصله زمانی ده ساله برای این گروه سنی محاسبه شده است.

3. Institutional Context

## رویکرد نظری پژوهش

نهادگرایی بعد از افولی که تحت تأثیر رشد رهیافت‌های رفتارگرایانه و انتخاب عقلانی صورت گرفت، در دهه هشتاد دوباره مطرح شد؛ اما این بار با تکیه بر بسیاری از مفروضات «نهادگرایی قدیم» توجه به رفتار فردی را با خود به همراه داشت. «نهادگرایی جدید» در حکم یک دستگانه نظری جدید با مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناسی متفاوتی در پی پایان‌دادن به محدودیت‌هایی چون تقلیل‌گرایی، تکیه بر عوامل برون‌زا و تأکید بیش از حد بر نظم و ساختار ظهور یافت؛ رویکردی فکری که غالباً حساسیت بیشتری به تغییر و عاملیت دارد (Lieberman, 2002). در این رویکرد برای انسان فضای تصمیم‌گیری در نظر گرفته شده است و با وجود محدودیت حرکتی انسان در چارچوب نهادی بر این نکته تأکید می‌شود که انسان‌ها در تغییرات نهادی مؤثر هستند و میان انسان و نهادها ارتباطی دوسویه دیده می‌شود (نایب، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

در سال‌های اخیر، نفوذ رویکرد نظری نونهادی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مشهود بوده است؛ به طوری که هر رشته بر مبنای تأکیدات و موضوع‌های محوری خود در کارهای پژوهشی از این شیوه تحلیل نظری بهره می‌برند و به ارائه تحلیل‌هایی عمیق از انواع نهادها، رابطه متقابل نهادها و کنش‌ها و نقش تعاملی آنها در فرآیندهای اجتماعی و نتایج کنش‌های افراد جامعه درون بستر نهادی، عوامل نهادی و رابطه عملکرد بالای نهادی با توسعه و پیشرفت جوامع دست زده‌اند که دیگر الگوهای تبیینی نظری از آن غافل بوده‌اند (Klein, 1999: 456). برای پژوهش تحلیلی نهادی توجه به دو نکته مهم است: نخست، هر پژوهش علمی با مسائل شروع می‌شود و لازم است مسئله پژوهش به درستی تصریح شود؛ دوم، واقعیت به یک سطح محدود نمی‌شود و اعتبار تحلیل نهادی در لزوم توجه به سطوح چندگانه واقعیت و پیوند زدن یافته‌های آنها است (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹؛ Hollingworth, 2000). کانون اصلی هر تحلیل نهادی پرسیدن این سؤال است که چگونه نهادها و رفتار کنشگران تحت تأثیر و تأثر متقابل هم قرار می‌گیرند (Hall & Taylor, )

5: 1996). ورود تحلیل‌های نهادی به علوم اجتماعی و به‌خصوص جامعه‌شناسی، درک صحیح و عمیقی را فراهم می‌کند. این تحلیل در پی تبیین برای تعلیل وقایع است که مبتنی بر ساختارهای موجود می‌باشد (؛ زارعی، ۱۳۹۲؛ میرفردی و رضانی، ۱۳۹۲؛ Finnemore, 1996).

جامعه‌شناسی با اتخاذ رویکرد جدید نونهادگرایی، نوید حل دوگانه‌انگاری عاملیت-ساختار را می‌دهد؛ چراکه رابطه نهادها و کنشگران فراتر از این دوگانه‌انگاری‌ها در نظر گرفته می‌شود. به نظر کسلر<sup>۱</sup> (۱۳۹۴)، این چشم‌انداز نظری تمرکزش را میان کنشگر و ساختار، فردگرایی و جبرگرایی اجتماعی تقسیم می‌کند (کسلر، ۱۳۹۴: ۴۴۲). بدین‌گونه تعاملات متقابل میان کنش هدفمند و ساختار به عنوان رویکرد سازنده‌تر وارد نونهادگرایی جامعه‌شناسی شد و مکی و کاپل<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه خود بیان کردند که نونهادگرایان جامعه‌شناسی از یک سو، با تکیه بر ویژگی‌های شناختی و اجتماعی و نه محدودکننده نهادها و از سوی دیگر، قائل شدن آزادی برای افراد در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان، تحلیل‌های خود را در جهت رابطه تعاملی و سازنده بین ساختار و عاملیت پیش می‌برند و با در نظر گرفتن کنشگران در چارچوب‌های نهادی، به درک بهتر چگونگی تأثیرگذاری عوامل نهادی بر پدیده مورد بررسی نائل می‌آیند.

رویکرد نهادی در جامعه‌شناسی این امر را نفی نمی‌کند که کنشگران می‌توانند عقلانی و استراتژیک رفتار کنند. با وجود این آنچه عقلانی و سودمند در نظر گرفته می‌شود ناشی از نهادها است و نه امری ثابت و عمومی؛ از این رو تصمیم‌ها را نمی‌توان به‌عنوان تجمیع کلی اقدام‌های فردی و روابط درونی جمع‌های اجتماعی درک کرد، بلکه باید ناشی از رویه‌های شناختی و ساختاری دانست که تصمیم‌ها را با وجود ناپایداری و بی‌ثباتی تولید می‌کنند (Kruken, 2002; Lim, 2011; Koelble, 2013؛ ایوبی، ۱۳۹۰؛ زارعی، ۱۳۹۲).

1. Kaesler

2. Mackay & Chappell

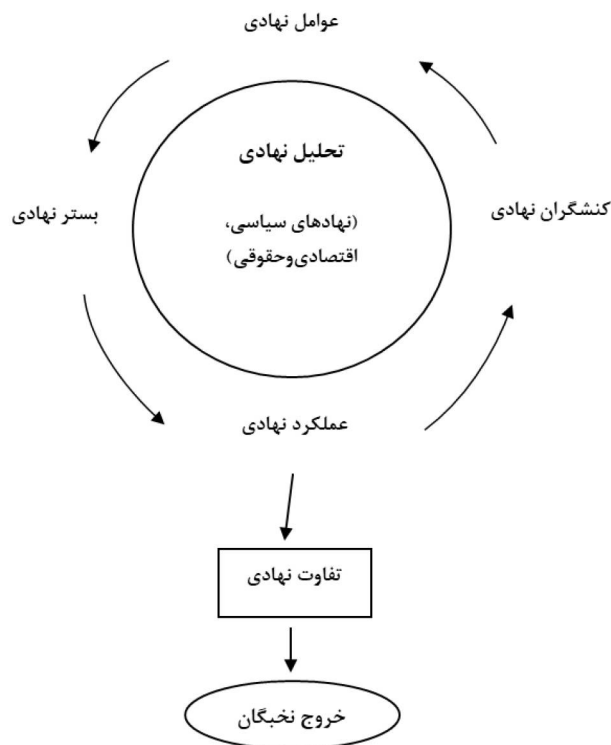
نونهادگرایان جامعه‌شناس بر این باورند که تفسیرهای زمینه‌ای از کنش‌های انسانی بسیار ارزشمندتر از تبیین‌های مشتق از نظریه بوده و بستر نهادی است که انتخاب‌های عقلانی را ممکن می‌سازد. بدین ترتیب، کنشگر با توجه به بستر نهادی و کنش‌های افراد دیگر در این بستر می‌تواند در راستای تصمیم‌های استراتژیک خود و محاسبه بیشترین فایده، به کنش عقلانی اقدام کند (Koelble, 2013: 242).

اتخاذ رویکردی نهادی-ساختاری، نوعی تحلیل اجتماعی جدید در سطوح چندگانه جامعه‌شناسی محسوب می‌شود که قدرت تبیین‌کنندگی مسائل اجتماعی چون خروج نخبگان را افزایش می‌دهد و در این راستا باید نهادهای اثرگذار را شناسایی کرد.<sup>۱</sup> طبق پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، نهادهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی کشورها از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده خروج نخبگان محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> خروج نخبگان تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری موجود و تنش‌های به‌وجودآمده بین نهادهای تأثیرگذار با کنشگرانی است که در این بستر نهادی زندگی می‌کنند؛ به عبارت دیگر در نتیجه عدم انطباق آنان با بستر نهادی کشورهاشان اتفاق می‌افتد. در این میان، تفاوت‌های نهادی کشورهای

---

۱. در سطح نظری طبقه‌بندی‌های مختلفی از نهادها وجود دارد: ۱. بر مبنای موضوع (Joskow, 2008; Kuncic, 2013)؛ که بر محور چهار نوع نهادهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی است؛ ۲. بر مبنای درجه رسمی بودن (Hall, 1989; North, 1990; Nee and Ingram, 1998; Streeck and Thelen, 2005)؛ که نهادها را به نهادهای رسمی و غیررسمی طبقه‌بندی می‌کنند. منظور از نهادهای رسمی، قوانینی است که بشر وضع می‌کند مانند قانون اساسی، حقوق، قوانین معمولی و مقررات و منظور از نهادهای غیررسمی، محدودیت‌هایی است که جنبه قانونی ندارند؛ اما در تعیین چارچوب انتخاب‌های افراد نقش فعال ایفا می‌کنند. اینها همان قواعد و محدودیت‌های تصمیم‌گیری نانوشته هستند مانند آداب و رسوم، عرف و قواعد و اصول رفتاری. از نظر نورث (۲۰۰۵)، ابتدا نهادهای غیررسمی شکل گرفتند. نهادهای غیررسمی یک جامعه در فرآیند تعامل خودجوش ظاهر می‌شوند و تغییر می‌یابند (North, 2005: 5)؛ ۳. بر مبنای انعطاف‌پذیری (Williamson, 2000)، ویلیامسون در تعریف نهادها چهار سطح نهادهای رسمی، نهادهای غیررسمی، نهادهای حکم‌رانی و نهادهای مربوط به تخصیص منابع و اشتغال را در نظر می‌گیرد. ۲. از نظر کونکیک (۲۰۱۳) و جسکو (۲۰۰۸)، این نهادها از جمله نهادهای رسمی مناسب برای مقایسه‌های بین‌المللی هستند.

مبدأ را می‌توان در عملکرد متفاوت نهادی آنها جست‌وجو کرد. عملکرد نهادی ضعیف، وضعیت نابسامان و احساس ناامنی از شرایط سیاسی و اقتصادی و حقوقی بر تصمیم‌نخبگان به خروج از کشور تأثیرگذار است (Ernst, Bakewell, 1996; Henry & Miller, 2009; Ernst, 2015). به زعم پژوهشگرانی چون آدکینز (۲۰۰۲)، کلارک و پیرسون (۲۰۰۷)، آشی (۲۰۰۷)، کبولا (۲۰۱۰)، بنگ و میترا (۲۰۱۰)، ایجاد ساختار مناسب نهادی نقشی تعیین‌کننده در عدم خروج افراد از کشورهاشان دارد. حمایت از نخبگان مستلزم عملکرد خوب نهادها، وابستگی متقابل نهادهای کلیدی جامعه و وجود شرایط باثبات و امن به لحاظ حقوقی، سیاسی و اقتصادی است. بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و حقوقی در کشورهای مبدأ و بستر نهادی کارآ به کاهش خروج نخبگان منجر خواهد شد (آذرمنند و جعفری، ۱۳۸۴؛ آذرمنند، ۱۳۸۵؛ عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸؛ Clark, Norton, 2003; Adebayo, 1985; Mitra, et al, 2011; Cebula & Clark, 2010; Pearson, 2007).



نمودار (۱). الگوی نظری-تحلیلی خروج نخبگان

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر مبتنی بر نوعی «تحلیل نهادی تطبیقی»<sup>۱</sup> است. تحلیل نهادی تطبیقی (CIA) زمینه‌ای مطالعاتی است که هدف آن ارتقای دانش علمی جدید در موضوع‌های پیچیده تفاوت‌های ساختاری نهادهای جامعه و عملکرد آنها است (Solari, 2001). این نوع تحلیل به‌عنوان یک ابزار مهم، مقایسه ترکیبات نهادی موجود را امکان‌پذیر می‌سازد (Demsetz, 1969). در این ارتباط لاک و تلن<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) از مقایسه بسترمند/زمینه‌مند<sup>۳</sup>

1. Comparative Institutional Analysis  
2. Locke & Thelen  
3. Contextualized Comparisons



سخن می‌گویند؛ بدین معنا که نهادها و کنشگران آنها در بستر زمانی و مکانی با هم تفاوت دارند. آنچه در مقایسه‌های تطبیقی باید به آن توجه کرد این است که نه تنها قواعد نهادی بین کشورها با هم متفاوت است بلکه ماهیت، علایق و منابع کنشگران این قواعد نیز با هم متفاوت هستند. هنگام تحلیل تطبیقی نهادهای مختلف باید به قواعد نهادی و کنشگران آن نهاد به عنوان بستر متقابل یکدیگر نگریست (Jackson, 2009: 6).

بررسی نهادی تطبیقی در این پژوهش معطوف به شناسایی شاخص‌های نهادی تأثیرگذار بر خروج نخبگان بین کشورهای مبدأ (به‌عنوان معیارهایی برای سنجش کمی عملکرد نهادی کشورها) است. از آنجا که منطق رسمی روش تطبیقی در انتخاب موردهایی است که بیشترین شباهت را (با وجود خروجی‌های متفاوت) با هم دارند، کشورهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر (بر مبنای سطح توسعه) شامل ۱۰۰ کشور در حال توسعه<sup>۱</sup> و کمتر توسعه یافته<sup>۲</sup> (منطبق با دسته‌بندی سازمان ملل از کشورهای جهان) است که واجد داده برای انجام مقایسه در مقطع زمانی سال ۲۰۱۰ هستند. تحلیل‌ها معطوف به خروج نخبگان از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته جهان (کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) است.

## جمع آوری داده‌ها

در این پژوهش داده‌های خروج نخبگان و عملکردهای نهادی کشورهای مورد بررسی به شرح زیر گردآوری شده است:

- از آنجا که امکان دسترسی به داده‌های خروج نخبگان بیشتر کشورهای مبدأ وجود ندارد باید به داده‌های جمع آوری شده توسط کشورهای مهاجرپذیر رجوع کرد که به واسطه سطح آموزشی مهاجران، مهاجران نخبه را از بقیه مهاجران تفکیک کرده‌اند. آن دسته از

---

1. Developing Countries  
2. Least Developed Countries

افراد که از سطح پیشرفته آموزشی برخوردارند، «نخبه» تعریف شده و از مهاجرت آنان با عنوان مهاجرت نخبگان یاد می‌شود (Beine et al, 2001; Docquier & Marfouk, 2006; Bang & Mitra, 2010; Barro & Lee, 2001 & 2013; Arslan et al, 2014). داده‌های خروج نخبگان در این پژوهش از بانک اطلاعاتی «مؤسسه تحقیقات اشتغال»<sup>۱</sup> گرفته شده است.<sup>۲</sup> داده‌های این مؤسسه آلمانی که با کمک مارفوک<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، جمع‌آوری شده است بر مهاجرت‌های بین‌المللی از ۱۹۵ کشور جهان به ۲۰ کشور عضو «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»<sup>۴</sup> (OECD) به تفکیک جنسیت، کشور مبدأ و سطح آموزش تمرکز دارد و شامل گروه سنی ۲۵ سال به بالا می‌شود. داده‌های بالا بازه زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۰ (با فاصله‌های پنج سال) را دربرمی‌گیرد.<sup>۵</sup>

- عملکرد نهادی به لحاظ تأثیرگذاری بر خروج نخبگان، در سطح سه نهاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی مطرح است. در این پژوهش، عملکرد نهادی کشورهای مورد مطالعه از طریق دوازده شاخص بین‌المللی ارزیابی و مقایسه شده است. داده‌های این شاخص‌ها از بانک‌های اطلاعاتی معتبر جهانی همچون «بانک جهانی»<sup>۶</sup>، «شاخص انتقال برتلسمن»<sup>۷</sup>،

1. Institution for Employment Research (IAB)

۲. با توجه به ویژگی‌های داده‌های ثبت شده از خروج نخبگان (سن، تعداد کشورهای مبدأ، تعداد کشورهای مقصد و بازه زمانی) از داده‌های این بانک اطلاعاتی استفاده شده است که مورد تأیید و ارجاع پژوهشگران این حوزه از جمله «داکیور»، «بینه»، «دیفورت» و «مارفوک» است.

3. Marfouk, Abdeslam

۴. استرالیا، اتریش، کانادا، شیلی، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلیس و آمریکا.

۵. اطلاعات مهاجران در این پایگاه اطلاعاتی از طریق مراجعه به سرشماری‌های ملی و آمارهای ثبت جمعیت کشورهای مقصد فراهم شده است. در این سرشماری‌ها معمولاً اطلاعاتی پیرامون کشور محل تولد، سن، جنس و سطح آموزشی مهاجرانی که در یکی از کشورهای عضو همکاری اقتصادی و توسعه زندگی می‌کنند، به‌طور دقیق ثبت شده و قابل دسترس است.

6. World Bank

7. Bertelsmann Transformation Index (BTI)

«مجموعه داده‌های شفافیت ویلیامز<sup>۱</sup>»، «بنیاد هریتیج<sup>۲</sup>» و «مؤسسه فریزر<sup>۳</sup>» گردآوری شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: شاخص‌های سنجش عملکرد نهادهای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته

تعریف شاخص‌ها	بازه زمانی	منبع داده	شاخص‌ها	عملکرد نهادهای
این شاخص ظرفیت حکومت در اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح و احترام به شهروندان و تعاملات اقتصادی-اجتماعی میان آنها را می‌سنجد (Kaufmann, 2010).	۱۹۹۶-۲۰۱۶	فرانکفورت	ثبات سیاسی و نبود خشونت <sup>۴</sup>	عملکرد نهادهای سیاسی
این شاخص نهادهای بیانگر اعتبار دولت در اجتماعات بین‌المللی می‌باشد و اینکه آیا رهبران سیاسی برای پیشبرد سیاست‌های دموکراتیک، استراتژی‌های بلندمدت توسعه‌ای و اصلاح اقتصادی، با جامعه بین‌الملل تعامل و همکاری دارند؟ (Bertelsmann, 2010: 44).	۲۰۰۶-۲۰۱۶	برلین	همکاری بین‌المللی <sup>۵</sup>	
پاسخگویی شفاف نهاد سیاسی معیاری برای سنجش شفافیت سیاسی کشورها است (Williams, 2015).	۱۹۸۰-۲۰۱۰	ویلیامز	شفافیت پاسخگویی <sup>۶</sup>	

1. Williams Transparency Data
2. Heritage Foundation
3. Fraser Institution
4. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism
5. International Cooperation
6. Accountability Transparency

تعریف شاخص‌ها	بازه زمانی	منبع داده	شاخص‌ها	عملکرد نهادی
این شاخص به حضور بلندمدت مدیریت مدنی در هر کشور، تعدد سازمان‌های غیرانتفاعی فعال، اعتماد به نهادهای جامعه، اعتماد اجتماعی و فرهنگ مدنی مشارکت در زندگی عمومی اشاره دارد (Bertelsmann, 2010: 35).	۲۰۰۹-۲۰۱۹	بیتلسمن	سنت‌های جامعه مدنی <sup>۱</sup>	
از طریق این شاخص عملکرد مدیریتی رهبران سیاسی در مواجهه با مشکلات ساختاری موجود (فقر زیاد، فقدان نیروی کار آموزش دیده، موقعیت جغرافیایی نامساعد، کمبودهای زیرساختی و بلایای طبیعی) در کشورها ارزیابی می‌شود (Bertelsmann, 2010: 35).	۲۰۰۹-۲۰۱۹	بیتلسمن	محدودیت‌های ساختاری <sup>۲</sup>	
در بستر آزادی اقتصادی، بهترین ادراک از فساد می‌تواند نارسایی نهاد اقتصادی باشد؛ نظارت‌های مکرر و بیش از حد دولت فرصت‌هایی برای رشوه‌خواری و اختلاس به وجود می‌آورد (Miller & Kim, 2010: 2)	۱۹۹۵-۲۰۱۰	میلر و کیم	آزادی از فساد اقتصادی <sup>۳</sup>	عملکرد نهادی اقتصادی
آزادی کسب و کار به عنوان حق افراد در تأسیس و راه‌اندازی یک کسب و کار جدید بدون دخالت دولت تعریف می‌شود (میلر و کیم، ۲۰۱۰: ۴).	۱۹۹۵-۲۰۱۰	میلر و کیم	آزادی کسب و کار <sup>۴</sup>	

1. Civil Society Traditions
2. Structural constraints
3. Freedom from Corruption
4. Business Freedom

عملکرد نهادی	شاخص‌ها	منبع داده	بازه زمانی	تعریف شاخص‌ها
	آزادی سرمایه‌گذاری <sup>۱</sup>	بانک جهانی	۱۹۹۵-۲۰۱۰	آزادی سرمایه‌گذاری در بازار با عدالت و شفافیت شناخته می‌شود و از انواع شرکت‌ها پشتیبانی کرده و رقابت و نوآوری را تشویق می‌کند (Miller & Kim, 2010: 4).
	کیفیت مقررات <sup>۲</sup>	بانک جهانی	۱۹۹۶-۲۰۱۴	این شاخص بین‌المللی برای ارزیابی توانایی کشورها در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که اجازه توسعه و تقویت بخش خصوصی را می‌دهند طراحی شده است (Kaufmann, 2010).
	حقوق مالکیت <sup>۳</sup>	برتسمن	۲۰۰۶-۲۰۱۶	به چه میزان در نهاد اقتصادی کشورها شاهد غلبه فعالیت‌های دولتی/ خصوصی در نهاد اقتصادی هستیم؟ (Bertelsmann, 2010).
عملکرد نهادی حقوقی	حاکمیت قانون <sup>۴</sup>	بانک جهانی	۱۹۹۶-۲۰۱۴	حاکمیت قانون، میزان تعهد به قانون را در هر کشور می‌سنجد. اینکه تا چه حد کنشگران به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آنها پیروی می‌کنند؟ (Kaufmann, 2010: 3)
	هزینه‌های کسب و کار از جرم <sup>۵</sup>	مؤسسه فریزر	۱۹۷۰-۲۰۱۴	این شاخص میزان تأثیرپذیری محیط کسب و کار از وقوع جرم و خشونت در هر کشور و چگونگی حمایت آنها از حقوق کسب و کار را می‌سنجد (Gwartney & Hall, 2012).

1. Investment Freedom
2. Regulatory Quality
3. Property Rights
4. Rule of Law
5. Business Costs of Crime

## نتایج توصیفی

مانند بسیاری از اختلافات علمی، به نظر می‌رسد بحث بر سر میزان خروج نخبگان از کشورهای مبدأ فراتر از اختلاف روش شناختی باشد. مطالعه حاضر تلاش می‌کند بر مبنای مجموعه داده‌های جهانی معتبر برآوردی از آمار خروج نخبگان از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته ارائه دهد.<sup>۱</sup> یادآوری این نکته لازم است که برآوردهای آماری ارائه شده مربوط به ۷۰ کشور در حال توسعه و ۳۰ کشور کمتر توسعه یافته است.<sup>۲</sup>

در گام نخست، نیمی از میانگین خروج نخبگان گروه‌های کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (به تفکیک منطقه جغرافیایی) در جدول ۲، گزارش شده است. میانگین خروج نخبگان در میان چهار گروه اصلی کشورهای آسیایی، کشورهای آفریقایی، کشورهای اروپایی و کشورهای آمریکای لاتین مقایسه شده است و نتایج نشان می‌دهد که گروه کشورهای آسیایی (شامل ۳۴ کشور) بیشترین میانگین خروج نخبگان (۲۴۱۸۸۶) را به خود اختصاص داده‌اند. در این گروه از کشورها، به ترتیب کشورهای آسیای جنوبی (هند، ایران، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش و نپال) با میانگین ۵۱۱۵۶۵ و کشورهای آسیای شرقی (چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند، ویتنام، مغولستان، کامبوج و لائوس) با میانگین ۴۵۰۳۹۰، بالاترین میزان خروج نخبگان را دارند. کمترین میانگین خروج نخبگان در این گروه از کشورها متعلق به کشورهای آسیای مرکزی (تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان) به میزان ۱۹۱۹۵ است.

۱. آخرین داده‌های گردآوری شده از خروج نخبگان مربوط به سال ۲۰۱۰ است که آن هم در سال ۲۰۱۳ منتشر شده و در دسترس پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. با احتساب فاصله‌های پنج‌ساله آمارهای خروج نخبگان هنوز به داده‌های سال ۲۰۱۵ دسترسی وجود ندارد.

۲. با توجه به محدودیت زمانی دسترسی به داده‌های خروج نخبگان، برآوردهای آماری ارائه شده مربوط به سال ۲۰۱۰ است.

گروه کشورهای آمریکای لاتین (۱۷ کشور) با میانگین ۲۲۶۱۴۹، دومین گروه از کشورهای مورد بررسی هستند که بیشترین میزان خروج نخبگان را تجربه کرده‌اند. در این گروه کشورهای آمریکای مرکزی (کاستاریکا، غنا، السالوادور، هندوراس، پاناما، نیکاراگوئه و مکزیک) با میانگین ۲۷۵۹۵۱، خروج نخبگان بیشتری از کشورهای آمریکای جنوبی (آرژانتین، برزیل، بولیوی، پرو، پاراگوئه، اکوادور، اوروگوئه، ونزوئلا و کلمبیا) به میزان ۱۸۱۸۸۱ داشته‌اند.

بعد از گروه کشورهای آمریکای لاتین، گروه کشورهای اروپایی (با ۷ کشور) با میانگین ۱۴۴۶۷۰، بیشترین خروج نخبگان را ثبت کرده‌اند. در این گروه، کشورهای اروپای شرقی (مولداوی و اوکراین) میانگین بیشتری از خروج نخبگان را نسبت به کشورهای اروپای جنوب شرقی (آلبانی، بوسنی و هرزگوین، صربستان، کرواسی و مقدونیه) به میزان ۲۲۹۵۶۹ دارند.

در گروه کشورهای آفریقایی (شامل ۴۲ کشور)، کمترین میانگین خروج نخبگان به میزان ۵۷۵۰۷ مشاهده می‌شود؛ همچنین در این گروه از کشورها، کمترین میانگین خروج نخبگان (۲۰۱۹۴) مربوط به کشورهای آفریقای مرکزی (آفریقای مرکزی، گابن، کامرون، جمهوری دموکراتیک کنگو، چاد و جمهوری کنگو) است. بیشترین میانگین (۱۷۱۲۶۸) در کشورهای آفریقای شمالی (مصر، الجزایر، مراکش، تونس و لیبی) دیده می‌شود.

جدول ۲: میانگین خروج نخبگان در میان گروه‌های کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (۲۰۱۰)

گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان	گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان
کشورهای آسیایی	۲۴۱۸۸۶	کشورهای آفریقایی	۵۷۵۰۷
آسیای شمالی	۲۰۱۷۳۷	آفریقای شمالی	۱۷۱۲۶۸
آسیای شمال غربی	۴۹۵۲۴	آفریقای جنوبی	۴۸۱۷۲
آسیای جنوبی	۵۱۱۵۶۵	آفریقای مرکزی	۲۰۱۹۴
آسیای مرکزی	۱۹۱۹۵	آفریقای شرقی	۴۹۵۲۹
آسیای شرقی	۴۵۰۳۹۰	آفریقای غربی	۴۳۰۶۳

رابطه عملکرد نهادی و خروج نخبگان از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته

گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان	گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان
آسیای غربی	۶۵۴۹۵	کشورهای آمریکای لاتین	۲۲۶۱۴۹
کشورهای اروپایی	۱۴۴۶۷۰	آمریکای جنوبی	۱۸۱۸۸۱
اروپای جنوب شرقی	۱۱۰۷۱۰	آمریکای مرکزی	۲۷۵۹۵۱
اروپای شرقی	۲۲۹۵۶۹		

در ادامه با توجه به میزان خروج نخبگان از کشورهای مبدأ، رتبه‌بندی‌هایی صورت گرفته است. ابتدا ۱۰ کشوری که بیشترین میزان خروج نخبگان را داشته‌اند در جدول ۳، فهرست شده‌اند؛ سپس این کشورها به لحاظ نسبت مهاجران نخبه به کل مهاجران رتبه‌بندی شدند. برآوردی از درصد خروج نخبگان در جدول ۴، آمده است.

جدول ۳: رتبه‌بندی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به لحاظ میزان خروج نخبگان (۲۰۱۰)

رتبه کشورها	نام کشورها	خروج نخبگان
۱	هند	۱۸۹۱۶۳۱
۲	فیلیپین	۱۵۶۰۰۶۰
۳	مکزیک	۱۳۸۲۳۰۵
۴	چین	۱۲۳۴۰۲۲
۵	ویتنام	۶۷۱۳۶۲
۶	ایران	۴۳۳۷۳۵
۷	اکراین	۴۱۹۰۸۶
۸	کلمبیا	۴۰۷۵۱۱
۹	مراکش	۳۹۲۴۲۹
۱۰	پاکستان	۳۸۶۹۵۱

\* منبع گردآوری داده‌ها «مؤسسه تحقیقات اشتغال» است.



با توجه به جدول ۳، به ترتیب کشورهای هند، فیلیپین، مکزیک، چین، ویتنام، ایران، اوکراین، کلمبیا، مراکش و پاکستان در میان کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته مورد بررسی در این پژوهش، بیشترین میزان خروج نخبگان را از کشورهایشان دارند<sup>۱</sup> و ایران از میان ۱۰۰ کشور مورد مطالعه در رتبه ششم قرار دارد.

هنگام رتبه بندی کشورها به لحاظ خروج نخبگان، باید به سه نکته مهم توجه کرد: نخست، می توان نرخ خروج نخبگان را بر مبنای نسبت نخبه مهاجر به نخبه ساکن محاسبه کرد. مشکل این محاسبه در اغراق آمیز بودن آن است. گزارش های مبتنی بر این نوع آمار از خروج نخبگان، مبالغه آمیز برداشت می شود. برای مثال، برقراری نسبت ۶۸ درصد نخبه مهاجر به ۹ درصد نخبه ساکن در کشور هند (بر مبنای داده های پژوهش) می تواند بسیار اغراق آمیز انگاشته شود، هر چند می توان آن را به عنوان بالاترین حد خروج نخبگان در نظر گرفت.

دوم، می توان با برقراری نسبت مهاجریان نخبه یک کشور به کل جمعیت همان کشور، برآوردی از خروج نخبگان ارائه کرد. نقطه ضعف اینگونه محاسبه و گزارش های مبتنی بر آن نیز این است که میزان خروج نخبگان را دست کم می گیرد و حقیقت را اظهار نمی کند. در مثال کشور هند، ثبت خروج حدود ۱۸۹۱۰۰۰ نخبه در مقایسه با جمعیت حدود یک میلیارد و دویست و سی هزار نفری این کشور، مسئله خروج نخبگان از این کشور را بسیار

---

۱. طبق گزارش سالانه سازمان بین المللی مهاجرت از مهاجرت جهانی، تعداد مهاجرین در برخی از کشورهای مبدأ (مثل هند، چین، فیلیپین و مکزیک) بخاطر جمعیت بالا و در حال رشدشان نسبت به اندازه کل جمعیت آنها کم است. لذا می توان این مطلب را دنبال نمود که تأثیر جمعیتی مهاجرت و به تبع آن مهاجرت نخبگان در این دست از کشورها اندک است. این تأثیر جمعیتی زمانی که با توسعه کشورها رابطه برقرار می کند، بسیار با اهمیت می گردد. برای آن دسته از کشورهای نخبه فرست که جمعیت بالا و در حال رشدی ندارند، پیامدهای منفی خروج نیروی انسانی ماهر و کارآمد، نگرانی های عمده ای را پدید آورده و آینده توسعه ای این کشورها را با چالش مواجه کرده است.

دست کم می‌گیرد. در عین حال می‌توان این میزان از نرخ خروج نخبگان را به‌عنوان پایین‌ترین حد محسوب کرد.

سوم، می‌توان رویکرد حد وسطی را اتخاذ کرد و به بررسی نسبت مهاجران نخبه به کل مهاجران از یک کشور پرداخت. در اینگونه محاسبه می‌توان سهم نخبگان مهاجر در میان کل مهاجران را در نظر گرفت و آن وقت برآوردها واقعی‌تر خواهند بود. حال اگر در رتبه‌بندی صورت گرفته از میزان خروج نخبگان در میان کشورها این نسبت را در نظر گرفته شود، رتبه‌بندی بالا کمی تغییر می‌کند و همان‌طور که در جدول ۴، ملاحظه می‌شود، به ترتیب کشورهای فیلیپین، هند، ایران، اوکراین، چین، پاکستان، ویتنام، کلمبیا، مراکش و مکزیک بیشترین درصد مهاجران نخبه را نسبت به کل مهاجران خود دارند.

جدول ۴: رتبه‌بندی کشورها به لحاظ مهاجرین نخبه به نسبت کل مهاجران (۲۰۱۰)

رتبه کشورها	نام کشورها	مهاجرین نخبه	کل مهاجرین	درصد مهاجرین نخبه به کل مهاجرین
۱	فیلیپین	۱۵۶۰۰۶۰	۲۱۷۷۹۳۸	۷۳٪
۲	هند	۱۸۹۱۶۳۱	۲۷۶۴۳۷۴	۶۸٪
۳	ایران	۴۳۳۷۳۵	۶۸۱۸۰۵	۶۴٪
۴	اوکراین	۴۱۹۰۸۶	۶۷۱۹۱۰	۶۲٪
۵	چین	۱۲۳۴۰۲۲	۲۲۲۳۲۹۶	۵۶٪
۶	پاکستان	۳۸۶۹۵۱	۸۲۷۹۱۳	۴۷٪
۷	ویتنام	۶۷۱۳۶۲	۱۶۳۷۰۷۶	۴۱٪
۷	کلمبیا	۴۰۷۵۱۱	۹۸۷۵۳۷	۴۱٪
۸	مراکش	۳۹۲۴۲۹	۱۶۲۷۳۳۴	۲۴٪
۹	مکزیک	۱۳۸۲۳۰۵	۹۳۶۸۹۴۴	۱۵٪

\* منبع گردآوری داده‌ها «مؤسسه تحقیقات اشتغال» است.

نکته مهم نهفته شده در جدول ۴، از یک طرف کاهش رتبه کشورهای مثل مکزیک است. آمار ثبت شده از میزان خام خروج نخبگان در این کشور آمریکای مرکزی (۱۳۸۲۳۰۵) آن را در ردیف سومین کشور فرستنده نخبه قرار می دهد؛ اما زمانی که نسبت سهم نخبگان مهاجر به کل مهاجران مکزیک به کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته شود، در رتبه دهم کشورهای فرستنده نخبه قرار می گیرد<sup>۱</sup>.

از طرف دیگر، در کشورهایی چون ایران، اوکراین و پاکستان هنگامی که سهم مهاجران نخبه در میان کل مهاجران بررسی می شود، مسئله خروج نخبگان در این کشورهای در حال توسعه پررنگ تر می گردد؛ همچنین کشورهای ویتنام و کلمبیا با میزان متفاوتی از خروج نخبگان، هر دو در ردیف هفتمین کشورهای فرستنده نخبه قرار می گیرند که ۴۱ درصد از کل جمعیت مهاجر آنان را نخبگان تشکیل می دهند.

بر مبنای دسترسی پژوهشگران به داده های خروج نخبگان، برآوردی از رشد میزان خروج نخبگان برای ۱۰ کشوری که بیشترین خروج نخبگان را در این پژوهش داشته اند انجام شده است (جدول ۵). این مقایسه آماری، سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ (با فاصله پنج ساله) را شامل می شود.

---

۱. طبق گزارش سازمان بین المللی مهاجرت، برخی از کشورهای مبدأ، همچون مکزیک، ظرفیت های نهادی مختلف برای بازگرداندن/ جذب مجدد مهاجران خود دارند و برای مهاجران خود فرصت های سرمایه گذاری در داخل کشور را فراهم می کنند تا کسب و کار جدیدی را شروع کنند و بدین وسیله از آنها حمایت می کنند (۲۰۰۰: ۵۲). داکبور و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که کشورهایی همچون مکزیک (در کنار هلند، کره، مجارستان، جمهوری چک و جمهوری اسلواکی) با وجود اینکه عضو کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیستند، در زمره کشورهای پذیرنده نخبگان محسوب می شوند. شبیه به این شرایط را می توان در میان کشورهای آسیای جنوبی مشاهده کرد. چین و هند که جمعیت بالایی نیز دارند ورود نخبگان را به کشورهای خود تجربه کرده اند؛ بنابراین خروج نخبگان در این کشورها بسیار کمتر از گذشته معنادار است (Biene, et al, 2008).

آمارها رشد میزان خروج نخبگان را در بازه زمانی پنج ساله در هر ۱۰ کشور نشان می دهد. هرچند تفاوت هایی در میزان رشد این کشورها وجود دارد؛ به طوری که مراکش با رشد ۳۷ درصدی و پاکستان با رشدی حدود ۳۲ درصد، بیش از رشد خروج نخبگان هستند. کمترین رشد (۱۹ درصد) را می توان در کشورهای فیلیپین و ویتنام از آسیای شرقی ملاحظه کرد. نکته قابل توجه این است که کشورهای هند، چین و فیلیپین که همیشه در آمارهای بین المللی بیشترین سهم خروج نخبگان را داشتند در فاصله پنج ساله بین سال های ۲۰۱۰-۲۰۰۵ با رشد کمتری در خروج نخبگان از کشورهاشان مواجه بوده اند.

جدول ۵: رشد خروج نخبگان در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ (درصد)

نام کشورها	۲۰۰۵	۲۰۱۰	رشد (%)
هند	۱۴۸۸۰۵۷	۱۸۹۱۶۳۱	۲۷/۱
اکراین	۳۴۷۰۰۶	۴۱۹۰۸۶	۲۱
چین	۹۷۸۴۶۶	۱۲۳۴۰۲۲	۲۶
پاکستان	۲۹۲۴۱۹	۳۸۶۹۵۱	۳۲/۳
ایران	۳۵۴۷۴۸	۴۳۳۷۳۵	۲۲/۲
مراکش	۲۸۶۴۸۰	۳۹۲۴۲۹	۳۷
فیلیپین	۱۳۱۲۳۳۳	۱۵۶۰۰۶۰	۱۹
ویتنام	۵۶۴۴۱۵	۶۷۱۳۶۲	۱۹
کلمبیا	۳۲۶۷۶۶	۴۰۷۵۱۱	۲۵
مکزیک	۱۰۷۷۶۷۶	۱۳۸۲۳۰۵	۲۸

\* منبع گردآوری داده ها «مؤسسه تحقیقات اشتغال» است.

در قدم بعدی، با تکیه بر داده‌های پژوهش، نیم‌رخ‌ی از میانگین شاخص‌های عملکرد نهادی در میان گروه‌های کشورها (به تفکیک منطقه جغرافیایی) ارائه می‌شود.<sup>۱</sup> در جدول ۶، میانگین شاخص‌های عملکرد نهادی در سطح سه نهاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی میان گروه‌های کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و اروپایی مقایسه می‌شوند. در ارتباط با شاخص‌های عملکرد نهادی سیاسی، کشورهای آسیایی دارای پایین‌ترین میانگین‌ها در شاخص‌های ثبات سیاسی و شفافیت پاسخگویی هستند. این در حالی است که بالاترین میانگین ثبات سیاسی را کشورهای اروپایی دارند. گروه کشورهای آفریقایی دارای پایین‌ترین میانگین همکاری‌های نهادی در سطح بین‌المللی هستند. این گروه از کشورها بیشترین محدودیت‌های ساختاری دارند. بالاترین میزان حضور سنت‌های جامعه مدنی و اعتماد بین‌المللی را کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای اروپایی کسب کرده‌اند که نشان از مدیریت مدنی و همکاری بیشتر این کشورها با جامعه بین‌الملل دارد. میانگین برآورد شده از شاخص‌های عملکرد نهادی اقتصادی در جدول ۶، حاکی از بالاترین میانگین حقوق مالکیت و کیفیت اجرای مقررات در میان گروه کشورهای اروپایی است. به ترتیب، کمترین میانگین حقوق مالکیت و کیفیت مقررات به کشورهای آسیایی و آفریقایی تعلق دارد؛ در حالی که بیشترین میانگین آزادی اقتصادی (آزادی از فساد اقتصادی، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی کسب‌وکار) را کشورهای آمریکای لاتین و

۱. برای امکان پذیر ساختن مقایسه نمرات شاخص‌های پژوهش و سهولت در گزارش این نمرات، همه شاخص‌ها در این پژوهش با استفاده از فرمول زیر به مقیاس صفر-۱۰۰ انتقال یافته‌اند:

$$s = \frac{x - \min}{\max - \min} * 100$$

S: نمره متغیر در مقیاس جدید X: نمره متغیر در مقیاس قبلی

min: کمترین نمره متغیر در مقیاس قبلی max: بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

صورت کسر، تفاضل نمره شاخص و مقدار کمینه و مخرج کسر، تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه متغیر است. بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌هایی که هر شاخص به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ است (چلبی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

کشورهای اروپایی به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین فساد اقتصادی و کمترین آزادی محیط کسب و کار در کشورهای آفریقایی دیده می‌شود. در کشورهای آسیایی می‌توان کمترین آزادی سرمایه‌گذاری را در بازار داخلی دید. این گروه از کشورها بعد از کشورهای آفریقایی محدودترین آزادی اقتصادی را دارند.

جدول ۶: میانگین شاخص‌های عملکرد نهادی در میان گروه‌های کشورها (۲۰۱۰)

ایران	کل کشورها	گروه کشورها				شاخص‌ها	عملکرد نهادی
		اروپایی	آمریکای لاتین	آفریقایی	آسیایی		
۶/۱۳	۳۳/۰۵	۳۸/۳۴	۳۵/۸۴	۳۳/۶۴	۲۹/۸۲	ثبات سیاسی	عملکرد نهادی سیاسی
۲۳/۰۰	۶۴/۳۰	۷۴/۲۸	۷۵/۷۶	۵۹/۱۹	۶۲/۸۲	همکاری بین‌المللی	
۱۶/۰۰	۴۲/۵۰	۵۴/۷۱	۵۲/۷۶	۳۹/۷۳	۳۸/۲۶	شفافیت پاسخگویی	
۳۰/۰۰	۳۸/۲۲	۴۷/۱۴	۴۷/۶۴	۳۶/۰۵	۳۰/۲۹	سنت‌های جامعه مدنی	
۳۰/۰۰	۳۶/۷۷	۴۸/۵۷	۵۵/۲۹	۲۵/۰۰	۴۲/۰۵	محدودیت‌های ساختاری	عملکرد نهادی اقتصادی
۲۳/۰۰	۳۱/۱۲	۳۳/۴۲	۳۵/۹۴	۲۸/۷۶	۳۱/۱۴	آزادی از فساد اقتصادی	
۶۹/۹۰	۵۹/۳۹	۶۴/۵۴	۶۳/۰۶	۵۳/۷۴	۶۰/۳۱	آزادی کسب و کار	
۴/۲۵	۴۳/۷۰	۵۲/۱۴	۵۴/۷۰	۴۲/۳۸	۳۸/۰۸	آزادی سرمایه‌گذاری	
۲/۸۷	۳۹/۴۵	۵۳/۱۱	۴۸/۸۶	۳۱/۸۲	۴۱/۳۵	کیفیت مقررات	
۴۰/۰۰	۵۰/۹۳	۷۲/۸۵	۶۸/۲۳	۴۷/۳۶	۴۱/۷۶	حقوق مالکیت	
۱۷/۵۳	۳۵/۵۵	۴۲/۸۵	۳۵/۵۷	۳۲/۱۱	۳۸/۳۰	حاکمیت قانون	عملکرد نهادی حقوقی
۵۷/۰۰	۴۹/۷۶	۶۴/۸۵	۳۷/۸۶	۴۴/۲۲	۵۹/۵۵	هزینه‌های کسب و کار از جرم	

\* منابع گردآوری داده‌ها، «بانک جهانی»، «برتلسمن»، «ویلیامز»، «بنیاد هریتیج» و «مؤسسه فریزر» است.

\* مقادیر شاخص‌های فوق در پژوهش حاضر محاسبه شده است.

در جدول ۶، به لحاظ عملکرد نهادی حقوقی، بالاترین میانگین حاکمیت قانون را می‌توان در بستر نهادی حقوقی کشورهای اروپایی مشاهده کرد. کمترین میانگین حاکمیت قانون مربوط به کشورهای آفریقایی است. بیشترین تأثیرپذیری محیط کسب و کار از وقوع جرم در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی دیده می‌شود. امن‌ترین محیط کسب و کار را کشورهای اروپایی دارند. بعد از کشورهای اروپایی، کشورهای آسیایی محیط عاری‌تری از خشونت دارند.

### نتایج تحلیلی

نتایج تأثیر ضرایب رگرسیونی خروج نخبگان بر شاخص‌های عملکرد نهادی در چهار مدل رگرسیونی در جدول ۸، مشاهده می‌شود. در اولین مدل رگرسیونی (عملکرد نهادی سیاسی)، ثبات سیاسی (۰/۵۱-) و شفافیت پاسخگویی (۰/۲۴-) بیشترین سهم را در میان شاخص‌های نهادی سیاسی به لحاظ اثرگذاری بر خروج نخبگان دارند. فقدان ثبات و شفافیت در بستر نهادی سیاسی بازتابی از عملکرد ضعیف این نهاد در نزد نخبگان است. در کشورهای مورد مطالعه، نخبگان سطح بالاتری از امنیت، آزادی و شفافیت را در سیاست‌های اتخاذشده، برنامه‌ها و عملکرد نهاد سیاسی مطالبه می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که کارایی پایین نهاد سیاسی، عامل تسهیل‌گر در خروج نخبگان از این کشورها قلمداد می‌شود. مدل رگرسیونی دوم (عملکرد نهادی اقتصادی)، حاکی از تأثیرپذیری نخبگان از اجرای ضعیف مقررات (۰/۴۵-) و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری (۰/۴۲-) در بخش‌های اقتصادی کشورهای مبدأ است. در نزد نخبگان فرصت‌های کارآفرینانه، ایجاد شغل و بهره‌وری‌های اقتصادی بیشتر با توسعه و تقویت بخش خصوصی و عدالت اقتصادی در این کشورها فراهم می‌شود. این در حالی است که نبود محیط سرمایه‌گذاری آزاد در بازارهای داخلی و عدم حمایت‌های کافی از بخش خصوصی، مهم‌ترین شاخص‌های نهادی اقتصادی است که نخبگان را به سمت خروج از کشورهایشان هدایت می‌کند.

جدول ۸: ضرایب رگرسیونی خروج نخبگان بر شاخص‌های عملکرد نهادی

عملکرد نهادی	شاخص‌ها	مدل اول		مدل دوم		مدل سوم		مدل چهارم	
		سطح معناداری	Beta	سطح معناداری	Beta	سطح معناداری	Beta		سطح معناداری
عملکرد نهادی سیاسی	ثبات سیاسی	(۰/۰۰۰)	-۰/۵۱۱					(۰/۰۰۱)	-۰/۴۹۷
	همکاری بین‌المللی	(۰/۰۰۷)	۰/۲۲۳					(۰/۰۲۰)	۰/۴۱۶
	شفافیت پاسخگویی	(۰/۰۵۲)	-۰/۲۳۸					(۰/۰۲۷)	-۰/۲۹۸
	سنت‌های جامعه مدنی	(۰/۰۰۶)	۰/۱۴۹					(۰/۰۴۶)	۰/۲۰۹
	محدودیت‌های ساختاری	(۰/۰۰۸)	-۰/۲۲۷					(۰/۰۶۹)	-۰/۲۳۷
عملکرد نهادی اقتصادی	آزادی از فساد اقتصادی			(۰/۰۰۲)	-۰/۲۰۹			(۰/۰۲۵)	-۰/۴۴۹
	آزادی کسب و کار			(۰/۰۵۸)	-۰/۱۷۰			(۰/۰۲۳)	-۰/۳۱۰
	آزادی سرمایه‌گذاری			(۰/۰۰۵)	-۰/۴۱۷			(۰/۰۴۹)	-۰/۱۳۰
	کیفیت مقررات			(۰/۰۴۱)	-۰/۴۵۱			(۰/۰۵۳)	-۰/۳۴۵
	حقوق مالکیت			(۰/۰۳۰)	-۰/۲۷۴			(۰/۰۶۵)	-۰/۲۷۵
عملکرد نهادی حقوقی	حاکمیت قانون					(۰/۰۵۵)	-۰/۲۷۰	(۰/۰۴۰)	-۰/۱۹۱
	هزینه‌های کسب و کار از جرم					(۰/۰۲۸)	-۰/۲۱۸	(۰/۰۳۳)	-۰/۲۲۱
ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )		۰/۳۳۱		۰/۲۳۱		۰/۱۱۸		۰/۴۲۴	

۱. اگر ضریب خطای استاندارد در گزارش تحلیل رگرسیون تا میزان ۰/۰۲ بیشتر از ۰/۰۵ باشد و آن متغیر مستقل در پژوهش برای پژوهشگر دارای اهمیت زیادی باشد، می‌توان با تساهل از این میزان خطا چشم‌پوشی کرد (بابایی، ۱۳۸۳).



در مدل سوم (عملکرد نهادی حقوقی)، نبود حاکمیت قانون (۰/۲۷-) و الزام ناکافی به قانون در بستر نهادی حقوقی به لحاظ اثرگذاری بر خروج نخبگان از کشورهایشان، نشان از حساسیت نخبگان کشورهای فوق به کیفیت برقراری قانون و نظم دارد.

تأثیر کلیه شاخص‌های عملکرد نهادی بر خروج نخبگان، در چهارمین مدل رگرسیونی بررسی شد. مطابق این مدل، مهم‌ترین شاخص‌های نهادی مؤثر بر خروج نخبگان به ترتیب بی‌ثباتی سیاسی (۰/۴۹۷-)، آزادی از فساد اقتصادی (۰/۴۴۹-)، کیفیت مقررات (۰/۳۴۵)، شفافیت پاسخگویی (۰/۲۹۸-) و حقوق مالکیت (۰/۲۷۵-) هستند.

جدول رگرسیونی ۹، رابطه شاخص‌های ترکیبی سه نوع عملکرد نهادی با خروج نخبگان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عملکرد نهادی سیاسی بیشترین تأثیر را بر خروج نخبگان در میان کشورهای موردبررسی دارد.

جدول ۹: ضرایب رگرسیونی خروج نخبگان بر عملکردهای نهادی

سطح معناداری	Beta	عملکردهای نهادی
(۰/۰۱۹)	-۰/۴۲۱	عملکرد نهادی سیاسی
(۰/۰۲۴)	-۰/۲۰۶	عملکرد نهادی اقتصادی
(۰/۰۴۱)	-۰/۱۸۸	عملکرد نهادی حقوقی

ضریب همبستگی چندگانه (R): ۰/۶۵۱؛ ضریب تعیین (R<sup>2</sup>): ۰/۴۲۴؛ ضریب تعیین تعدیل شده (Adj. R<sup>2</sup>): ۰/۳۱۸

### بحث و نتیجه‌گیری

علاقه به تحلیل‌های جامعه‌شناختی نهادی میان جامعه‌شناسان در حال گسترش است. در سطح نظری دو موضوع در حال ظهور است: ۱- چگونگی دسترسی به نقش عملکرد نهادی یک کشور در موضوع‌های خاص و پیچیده‌ای چون خروج نخبگان (به‌عنوان ارزشمندترین منابع کشورهای مبدأ) و ۲- تغییر قواعد بازی در اثر اصلاحات نهادی و شکل‌گیری عملکرد نهادی متفاوت.

در مطالعات بین‌المللی، عملکرد متفاوت نهادها در میان کشورهای مورد مطالعه در تفاوت‌های نهادی آنها جست‌وجو می‌شود. «صندوق بین‌المللی پول»<sup>۱</sup> در گزارش (۱۹۹۸) خود از خروج نخبگان به مهم‌ترین سؤال در این حوزه اشاره کرده است: «اینکه دلیل تفاوت‌های نهادی در میان کشورها چیست؟» و تأکید ویژه‌ای بر نقش سرمایه انسانی ماهر در رشد کشورهای در حال توسعه دارد. به زعم ارنست<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، نهادهای ناسالم و ناکارآمد در کشورهای مبدأ مانع انتخاب‌های افراد ماهر می‌شوند و توانایی آنها را برای کسب پایگاه بالاتر درون اجتماعات خودشان و فهم استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌شان محدود می‌کنند (Ernst, 2015: 19).

نتایج این پژوهش ضرورت تقویت ظرفیت‌های نهادی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از طریق سرمایه‌گذاری در بستر نهادی و جذب مجدد نخبگان را نشان می‌دهد. تفاوت در میزان خروج نخبگان در این کشورها به تفاوت‌های نهادی آنها با یکدیگر بستگی دارد. خروج نخبگان در کشورهای یادشده در نتیجه عدم انطباق آنها با بستر نهادی کشورهاشان اتفاق می‌افتد. این عدم انطباق را می‌توان در گسستگی رابطه نهادها با یکدیگر و نیز رابطه نخبگان با نهادهای کلیدی جست‌وجو کرد. نخبگان با ارزیابی ظرفیت نهادی کشورها و توانایی‌های خودشان به گونه‌ای استراتژیک عمل می‌کنند. چنانچه نهادهای تعیین‌کننده عملکرد صحیح و کارآمد نداشته باشند و مشروعیت خود را از دست بدهند، نخبگان نمی‌توانند در چارچوب نهادهای ناکارآمد، کارآمدی داشته باشند. در کشورهایی که نهادهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی عملکرد بهتری دارند، مزایای خروج نسبتاً پایین‌تر است و احتمال بازگشت نخبگان به کشورهاشان بیشتر می‌شود. در بستر نهادی سیاسی، هر قدر نهاد سیاسی در کشورهای مبدأ کارآمدتر و پاسخگوتر باشد، ثبات بیشتری حاکم است. این تفاوت نهادی مهم بین کشورهای مبدأ و شکل‌گیری بستر نهادی

1. International Monetary Fund (IMF)

2. Ernst

امن و بدون تنش‌های سیاسی در داخل و خارج از کشور، از یک سو می‌تواند نخبگان را کمتر به سمت خروج از کشورهاشان سوق می‌دهد و از سوی دیگر می‌تواند آنان را به بازگشت مجدد به کشورهاشان ترغیب کند.

بر مبنای نتایج، زمانی که در بستر نهادی اقتصادی نظارت‌های مؤثرتری اعمال و شفافیت بیشتری حاکم می‌شود، هزینه‌های کسب و کار کاهش می‌یابد و محیط آزادی برای سرمایه‌گذاری در بازار شکل می‌گیرد. در چنین بستر نهادی برای نخبگان فرصت‌های کارآفرینانه بیشتری فراهم می‌شود، رقابت و نوآوری تشویق می‌گردد و در نتیجه بهره‌وری‌های اقتصادی برای نخبگان در کشور خودشان افزایش می‌یابد. این درحالی است که کشورهای آسیایی با میانگین‌های پایین‌تر در آزادی اقتصادی و کیفیت پایین اجرای مقررات، زمینه توسعه بخش خصوصی را کمتر فراهم می‌آورند و تقویت و حمایت از مالکیت خصوصی با ضعف‌هایی همراه است. حقوق مالکیت امن به نخبگان امکان انجام اقدامات کارآفرینانه، پس‌انداز درآمد و برنامه‌ریزی بلندمدت برای پیشبرد فعالیت‌هایشان را می‌دهد؛ زیرا آنها مطمئن هستند که درآمد و دارایی پس‌انداز شده‌شان (مادی یا معنوی) در برابر سلب مالکیت‌های غیرمنصفانه و یا دزدی ایمن است. میلر و کیم<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) معتقدند که نظارت‌ها یا محدودیت‌های دولتی در یک بخش ممکن است باعث ایجاد بازارهای غیررسمی در بخش دیگر شود. برای مثال، اعمال محدودیت‌های شدید در راه‌اندازی کسب و کار توسط دولت (مقررات بیش‌ازحد و هزینه‌های زیاد دادوستد) می‌تواند انگیزه‌ای برای رشوه‌خواری و مشوقی برای تبادلات بازار غیرقانونی باشد. تفاوت نهادی کشورهای با میزان بالای خروج نخبگان را می‌توان معلول نهادهای اقتصادی ناکارآ و سیاست‌های نادرست در اقتصاد کلان دانست.

1. Miller & Kim

در بستر نهادی حقوقی، تفاوت نهادی کشورها را می‌توان در قالب دو معیار دنبال کرد: یکی، قدرت و بی‌طرفی نهاد حقوقی که نشان‌دهنده وجود قانون در آن کشور است و دیگری، تبعیت همه (عموم) از قانون که حاکی از وجود نظم در کشور است (Gwartney, et al, 2012). تفاوت نهادی حقوقی در حاکمیت قانون بین گروه کشورهای مورد مطالعه، باعث شده است کشورهای آسیایی بیشترین میزان خروج نخبگان را داشته باشند. هرچه حاکمیت قانون در کشورهای مبدأ گسترده‌تر و مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر باشد، ماندگاری نخبگان در این کشورها افزایش می‌یابد. شفافیت و کارآیی نهاد حقوقی که انعکاسی از حاکمیت قانون است، در چشم‌انداز بلندمدت توسعه نهادی کشورهای مبدأ بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

شاخص‌های ضعیف عملکرد نهادی در ایران و کسب پایین‌ترین میانگین‌ها در برخی از شاخص‌های بین‌المللی، همچون ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت اجرای قانون، شفافیت پاسخگویی، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی از فساد اقتصادی (جدول ۶)، از مهم‌ترین عوامل نهادی خروج نخبگان از کشور است و بدون بسترسازی‌های نهادی نمی‌توان انتظار داشت که روند خروج نخبگان کاهش یابد.

اکنون مسئله‌ای پیش رو این است که نخبگان ایرانی چه کشورهایی را به‌عنوان مقصد انتخاب می‌کنند. در جدول ۱۰، کشورهای منتخب نخبگان ایرانی به‌عنوان کشور مقصد (در میان کشورهای OECD) الویت‌بندی شده است.

نخستین انتخاب نخبگان ایرانی، کشور آمریکا است. با فاصله نسبتاً زیادی کانادا در رتبه دوم قرار دارد و انگلیس، سومین کشوری است که نخبگان ایرانی را به خود جذب کرده است.

جدول ۱۰: اولویت‌بندی نخبگان ایرانی در انتخاب کشورهای مقصد (۲۰۱۰)

اولویت	نام کشور	تعداد نخبگان ایرانی	اولویت	نام کشور	تعداد نخبگان ایرانی
۱	آمریکا	۲۲۳۴۹۶	۱۱	دانمارک	۳۶۱۲
۲	کانادا	۷۶۸۷۶	۱۲	سوئیس	۲۲۷۷
۳	انگلیس	۳۶۷۷۷	۱۳	نیوزیلند	۲۰۲۹
۴	سوئد	۲۵۹۲۰	۱۴	اسپانیا	۱۱۹۳
۵	آلمان	۱۸۷۷۰	۱۵	شیلی	۷۱۵
۶	استرالیا	۱۴۱۹۴	۱۶	یونان	۵۷۹
۷	فرانسه	۱۲۱۱۶	۱۷	فنلاند	۵۴۳
۸	هلند	۵۳۷۱	۱۸	ایرلند	۳۹۳
۹	اتریش	۴۴۴۸	۱۹	لوکزامبورگ	۱۸۴
۱۰	نروژ	۴۱۲۰	۲۰	پرتغال	۱۲۲

\* منبع گردآوری داده‌ها «مؤسسه تحقیقات اشتغال» است.

در حالی نخبگان ایرانی در سال ۲۰۱۰ آمریکا را به‌عنوان نخستین کشور مقصد خود انتخاب کرده‌اند که «بنیاد ملی علوم در آمریکا»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱ اعلام کرده است ایران بعد از چین رتبه دوم را به لحاظ تحصیل دانشجویان دکتری دارد و طبق نظرسنجی این بنیاد، ۸۹ درصد از دانشجویان ایرانی قصد دارند بعد از اتمام تحصیل در آمریکا بمانند و تمایلی به بازگشت به ایران ندارند. این درصد بالا از میزان ماندگاری نخبگان ایرانی می‌تواند دلیل روشن دیگری بر لزوم بسترسازی‌های نهادی در داخل کشور باشد. فعالیت‌ها برای کاهش خروج نخبگان بدون ایجاد بسترسازی‌های نهادی متناسب، ممکن است به بروز بحران در این حوزه منجر شود.

1. National Sciences Foudation (NSF)

## منابع

- اورعی، غلامرضا (۱۳۹۴) «جزوه مبانی جامعه‌شناسی»، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۹۰) «نونهادگرایی رویکردی جدید در علم سیاست»، بازیابی شده در ۱۳ آبان ۱۳۹۰. از <http://ayoubi.blogfa.com>
- آذرمنند، حمید (۱۳۸۵) «نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی». روند. ۳ (۵۰ و ۵۱): ۱۷۰-۱۱۹.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰) «مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی»، ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- بابایی، یحیی (۱۳۸۳) «درس‌نامه کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، تهران: دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران: انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود و جنادله، علی (۱۳۸۶) «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر موفقیت اقتصادی (مطالعه مقایسه‌ای بین قومیت‌های لر، عرب و درفولی استان خوزستان)»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. ویژه‌نامه جامعه‌شناسی (۵۳): ۱۱۷-۱۵۴.
- حمیدی، محمدمحسن (۱۳۸۷) «هویت، کارآمدی نهادی و امنیت انسانی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۶ (۲۵۶): ۱۶۶-۱۷۷.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۰) «مهاجرت نخبگان در عصر اطلاعات بازاندیشی فرصت‌ها و تهدیدها و راهکارها» فصلنامه مطالعات راهبردی، ۴ (۴): ۵۷۳-۵۹۳.
- دوستار، محمد؛ فروغی، نفیسه؛ نوروزی، خلیل و جوادی، مجتبی (۱۳۹۲) «راهبردهای جذب نخبگان در نظام آموزش عالی ج.ا.ا با استفاده از مدل گسترش عملکرد کیفیت». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱ (۴): ۱-۲۰.
- زارعی، آرمان (۱۳۹۲) «نهادگرایی جدید جامعه‌شناختی؛ رهیافتی برای تحلیل ثبات و تغییر»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۹ (۷۷): ۱۶۵-۱۹۳.
- زمان‌زاده، حمید (۱۳۸۸) «تحلیل نهادی-ساختاری سیر تاریخ اقتصاد ایران در دوره قاجار»، بازیابی شده در ۱۹ فروردین ۱۳۸۸. از <http://zamanzadeh.blogfa.com>
- سلجوقی، خسرو (۱۳۷۹) «مهاجرت نخبگان؛ علل و راهکارها»، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی.

- کسلر، دیرک (۱۳۹۴) «نظریه‌های روز جامعه‌شناسی؛ از ایزنشتات تا پسامدرن‌ها»، ترجمه کرامت‌اله راسخ. تهران: نشر آگه.
- طالبی‌زیدی، عباسعلی و رضایی، جمشید (۱۳۸۸) «بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰»، فصلنامه مدیریت. ۶(۱۶): ۱۴۷-۱۶۶.
- عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸) «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۴۰): ۱-۲۸.
- متوسلی، محمود و نجفی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۸) «ابزارهای تبیین و تحلیل مسائل اقتصادی از دیدگاه داگلاس نورث»، جامعه و اقتصاد، ۶(۱۹ و ۲۰): ۸۱-۱۰۷.
- متوسلی، محمود؛ مشهدی احمد، محمود و نیکونستی، علی (۱۳۸۹) «غفلت از نهادها؛ دلایل و اثرات آن بر مطالعات بین رشته‌ای در اقتصاد»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲(۳): ۱۴۱-۱۵۹.
- میرفردی، اصغر و رمضانی باصری، عباس (۱۳۹۲) «همگرایی نگرش‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی در رویکرد نهادگرایی به توسعه، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۲(۲): ۱۷۱-۲۰۰.
- نایب، سعید (۱۳۹۰) «ویژگی‌های تبیین در دستگاه نظری نهادگرایی جدید». اقتصاد تطبیقی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۲): ۱۳۵-۱۵۷.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵) «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- Adebayo, A. (1985) "Brain Drain within the Ecowas Region", *Journal of Opinion*, 14: 37-38.
- Adkins, L. R. Moowaw & A. Sawides (2002) "Institutions, Freedom and Technical Efficiency", *Southern Economic Journal*, 69(1): 92-108.
- Arslan, c. et al (2014) "A New Profile of Migrants in the Aftermath of the Recent Economic Crisis", *OECD Social, Employment and Migration Working Papers* 16
- Ashby, N. J. (2007) "Economic Freedom and Migration Flows between U.S. States", *Southern Economic Journal*, 73(3): 667-697.
- Bakewell, O. (1996) "Refugee Repatriation in Africa: Toward a Theoretical Framework?", *University of Bath: Center for Development Studies. Occasional Paper*, 09(96): 1-67.
- Bang, J. T. & Mitra M. (2011) "Brain Drain and Institutions of Government: Educational Attainment of Immigrants to the US 1998-1988", *Economic Systems*, 35(3): 335-354.
- Barro, R., & Lee, J. (2001) "International data on educational attainment: updates and implications", *Oxford Economic Papers*, 53: 541-63.

- Barro, R. (2013) "Education and Economic Growth", *Annals of Economics and Finance*, 14(2): 301-328.
- Beine, Mand Docquier, Fand Rapoport, H. (2001) "Brain Drain and Economic Growth: Theory and Evidence", *Journal of Development Economics*, 64(1): 275-289.
- Beine, M. & Sekkat, K. (2013) "Skilled Migration and the Transfer of Institutional Norms", *IZA Journal of Migration*, 2(9): 2-19.
- Beine, M., Docquier, F & Rapoport, H. (2008) "Brain Drain and Human Capital Formation in Developing Countries: Winners and Losers", *The Economic Journal*, 118(528): 631-652.
- Bertelsmann Stiftung, C. (2010) "Transformation Index of the Bertelsmann stiftung. Manual for Country Assessments", Germany: Center for Applied Policy Research, Research Group on Global Future.
- Cebula, R & Clark, J. (2010) "Migration, Economic Freedom, and Personal Freedom: An Empirical Analysis", *Journal of Private Enterprise*, 27(1): 43-62.
- Clark, J. & Pearson D. (2007) "Economic Freedom, Entrepreneurship, Migration and Economic Growth", *The Clarion Business and Economic Review*, 6(2): 37-66.
- Demsetz, H. (1969) "Information and efficiency: Another viewpoint", *Journal of Law and Economics*, 12(1):1-22.
- Docquier, F., Lodigiani, Eand Rapoport, H. & Schiff, M. (2009) "Brain drain and home country institutions", *Journal of Development Economics*, 120: 209-223.
- Docquier, F., & Marfouk, A. (2006) "International migration by educational attainment (1990–2000)". In: Ozden C, Schiff M (ed) *International migration, remittances and the brain drain*, 5th edition. Palgrave-Macmillan, Washington DC.
- Docquier, F., Rapoport, H. (2012) "Globalization, Brain Drain, and Development", *Journal of Economic Literature*, 50(3): 681-730.
- Docquier, F., Lohest, O. & Marfouk, A. (2007) "Brain Drain in Developing Countries", *The World Bank Economic Review*, 21(2): 193-218.
- Ernst, S. (2015) "The Paradox of High-Skilled Migration: Is The Brain Drain the Best Antidote to the Brain Drain?", Masters Thesis. Brandeis University.
- Finnemore, M. (1996) "Norms, Culture, and World Politics: Insights from Sociology's Institutionalism", *International Organization*, 50(2): 325-347.
- Gwartney, J., R. Lawson, & Hall J. (2012) "Economic freedom dataset", published in *economic freedom of the world: 2012 annual report*
- Hall, Peter A. (1989) "The Political Power of Economic Ideas: Keynesianism across Nations", Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Hall, Peter A. & Taylor, Rosemary C. (1996) "Political Science and the Three New Institutionalisms", *Political Studies*, 44(5): 936-957.
- Hall, John A. (1993) "Ideas and the Social Sciences". In *Ideas and Foreign Policy: Beliefs, Institutions and Political Change*, ed. Judith Goldstein and Robert Keohane, 31–56. Ithaca: Cornell University Press.
- Henry, P and Miller, C (2009) "Institutions versus Policies: A Tale of Two Islands", *The American Economic Review*, 99(2). *Papers and Proceedings of the One*



- Hundred Twenty-First Meeting of the American Economic Association. pp 261-267.
- Hollingsworth, J.R. (2000) "Doing Institutional Analysis: Implications for the Study of Onnovations", *Review of International Political Economy*, 7(4): 595-644.
- Immergut, E. M. (1998) "The Theoretical Core of the New Institutionalism", *Politics and Society*, 26(1): 5-34.
- Jackson, G. (2009) "Actors and Institutions", United Kingdom: University of Bath.
- Joskow, P. L. (2008) "Introduction to new institutional economics: A report card". In E. Brousseau and J.-M. Glachant (Eds.), *New Institutional Economics: A Guidebook*, pp. 1–19. Cambridge University Press, Cambridge, UK ; New York
- Kaufmann, D. (2010) "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Report", World Bank: Working Paper
- Klein, P. (1999) "New Institutional Economics", Department of Economics. University of Georgia
- Koelble, T. (2013) "The New Institutionalism in Political Sciences and Sociology", *Comparative Politics*, 27(2): 231-243
- Kruken, G. (2002) "Sociological Neo-Institutionalism", University of Bielefeld.
- Kuncic, A. (2013) "Institutional Quality Dataset", The 8<sup>th</sup> Young Economists Seminar to 19<sup>th</sup> Dubrovnik Economic Conference. Argentina: Dubrovnik.
- Lieberman, R. C. (2002) "Ideas, Institutions and Political order: Explaining Political Change", *American Political Science Review*, 96(4): 697-712.
- Lim, Wee-Kiat (2011) "Understanding Risk Governance: Introducing Sociological Neoinstitutionalism and Foucauldian Governmentality for Further Theorizing", *International Journal Disaster Risk Science*, 2(3): 11-20.
- Locke, Richard M. & Thelen, K (1995)" Apples and Oranges Revisited: Contextualized Comparisons and the Study of Comparative Labor Politics", *Politics and Society*, 23(3): 337-367.
- Mackay, F., Kenny, M. & Chappell, L. (2010) "New Institutionalism Thtough a Gender Lens: Towards a Feminist Institutionalism?", *International Political Review*, 31(5): 573-588.
- Miller, A. & Kim, A. (2010) "Index of Economic Freedom", Washington: Heritage Foundation.
- Nee, V. & Ingram, P. (1998) "Embeddedness and Beyond: Institution, Exchange and Social Structure", In *The New Institutionalism in Sociology* (eds.) MC Brinton. New York: Russell Sage Found.
- Nee, V. (1998) "Sources of the New Institutionalism. In *The New Institutionalism in Sociology*", Chapter one. Victor Nee and Mary Brinton. Stanford University Press.
- Nee, V. (2003) "New Institutionalism, Economic and Sociological", In *The Handbook for Economic Sociology*. N. Smelser and R. Swedberg. Princeton: Princeton University Press.
- North, Douglass C. (1990) "Institutions, Institutional change and Economic Performance", Cambridge, U. K. and N. Y.: Cambridge University Press.

- North, Douglass C. (2005) "Understanding the Process of Economic Change", New Jersey: Princeton University Press
- Norton, Seth W. (2003) "Economic Institutions and Human Well-Being: A Cross-National Analysis", *Eastern Economic Journal*, 29(1): 23-40.
- Rosenzweig, Mark. R. (2006) "The Circulation Migration of the Skilled and Economic Development", Federal Reserve Bank of Dallas: 147-170.
- Saxenian, A. L. (2002) "Silicon Valley's New Immigrant High-Growth Entrepreneurs", *Economic Development Quarterly*, 16(1): 20-31.
- Scott, W. R. (1995) "Institution and Organization", London New Dehli: Sage Publications.
- Solari, S. (2001) "Comparative Institutional Analysis and the State: A System Perspective", Freiburg- Padua Seminar: Networks, Institutions, and Organization Learning.
- Solimano, A. (2008) "Causes and Consequences of Talent Mobility", In Andres Solimano (ed.), *The International Mobility of Talent: Types, Causes and Development Impact*. Oxford: Oxford University Press.
- Streeck, W., Thelen, Kathleen eds. (2005) "Beyond Continuity: Institutional Change in Advanced Political Economies", Oxford: Oxford University Press
- Vong, K. L. & C. K. Yip (1999) "Education, Economic Growth, and Brain Drain", *Journal of Economics Dynamics and Control* 23(5/6): 699-726.
- Williams, A. (2015) "A Global Index of Information Transparency and Accountability", Association for Comparative Economic Studies. *Journal of Comparative Economics*, 43(3): 804-824.
- Williamson, O. E. (2000) "The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead", *Journal of Economic Literature*, 38(3): 595-613.
- World Bank (2000) "World Development Report", Washington, DC: World Bank
- Ethnic Investors Vs. Foreign Investors: The Impact of Diasporas on Economic Liberalization in China and India. Paper presented at the annual convention of the American Political Science Association, Toronto, Canada <https://andrewwilliamsecon.wordpress.com/datasets>.
- <http://www.bti-project.org/index>.
- <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index>.
- <http://go.worldbank.org/2EAGGLRZ40>.
- <http://www.heritage.org/index> .
- <http://www.weforum.org/en/initiatives/gcp/index.htm>.